

پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوبه‌ها شعی خراسانی حفظه الله تعالی



موضوع:

احکام؛ نماز؛ نماز قضا

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: افسانه

تاریخ: ۱۳۹۶/۵/۲۰

لطفاً حکم نماز قضا را بفرمایید. آیا برای جبران نماز قضا که شمار دقیقی ندارد چاره‌ای هست؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۶/۵/۲۶

خداوند اداء نماز در اوقات معینی را واجب کرده است^۱، ولی از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دانسته می‌شود که اگر نماز در این اوقات معین به سبب عذری چون خواب ماندن یا فراموش کردن اداء نشد، واجب است که در اوقات دیگری قضا شود؛ چنانکه از آن حضرت روایت شده است که فرمود: «مَنْ نَسِيَ صَلَاةً أَوْ نَامَ عَنْهَا فَكَفَّارَتُهَا أَنْ يُصَلِّيَهَا إِذَا ذَكَرَهَا»^۲؛ «هر کس نمازی را فراموش کرد یا از آن خواب ماند، کفاره‌اش این است که آن را هرگاه به یاد آورد به جای آورد» و این موافق با حکم عقل به استصحاب و احتیاط است^۳، بلکه چه بسا از برخی آیات قرآن استنباط می‌شود؛ مانند آیه‌ای که می‌فرماید: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»^۴؛ «و نماز را برای یادم به جای آور»؛ با توجه به روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که مراد از آن را وجوب به جای آوردن نماز در هنگام به یاد آوردنش دانسته و فرموده است: «مَنْ نَسِيَ صَلَاةً أَوْ نَامَ عَنْهَا فَلْيُصَلِّهَا إِذَا ذَكَرَهَا إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»»^۵؛ «هر کس نمازی را فراموش کرد یا از آن خواب ماند، باید آن را چون به یاد آورد به جای آورد، خداوند بلندمرتبه می‌فرماید:

۱. بنگرید به: پرسش و پاسخ ۲۷۹.

۲. مسند أحمد، ج ۳، ص ۲۸۲؛ صحیح البخاری، ج ۱، ص ۱۴۸؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۴۲؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۲۷؛ سنن أبي داود، ج ۱، ص ۱۰۹؛ سنن الترمذی، ج ۱، ص ۱۱۴؛ سنن النسائی، ج ۱، ص ۲۹۴.

۳. بنگرید به: پرسش و پاسخ ۲۷۶.

۴. طه/ ۱۴.

۵. مسند الشافعی، ص ۱۶۶؛ مسند الدارمی، ج ۱، ص ۲۸۰؛ صحیح البخاری، ج ۱، ص ۱۴۸؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۴۲؛ سنن النسائی، ج ۱، ص ۲۹۵؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج ۲، ص ۴۵۶.

زیرا «مَنْ نَسِيَ صَلَاةً»؛ «هر کس نمازی را فراموش کرد» در روایات، مانند «إِذَا نَسِيتَ»؛ «هرگاه فراموش کردی» در کتاب خداوند، می‌تواند شامل کسی که به سبب تعمّد و تهاون نمازی را ترک کرده است نیز بشود؛ با توجّه به اینکه خداوند در کتاب خود ترک ناشی از تعمّد و تهاون را نیز فراموشی تعبیر کرده و فرموده است: «قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى»؛ «گفت این گونه آیات ما برایت آمد، پس آن‌ها را فراموش کردی و این گونه امروز فراموش می‌شوی» و فرموده است: «فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ»؛ «پس بچشید به سبب آنکه دیدار این روزتان را فراموش کردید، ما شما را فراموش کردیم» و فرموده است: «نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ»؛ «خداوند را فراموش کردند، پس آنان را فراموش کرد» و فرموده است: «وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا دُكِّرُوا بِهِ»؛ «و بهره‌ای از آنچه یادآوری شدند را فراموش کردند» و فرموده است: «فَلَمَّا نَسُوا مَا دُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ»؛ «پس چون چیزی که یادآوری شدند را فراموش کردند درهای هر چیزی را به روی‌شان گشودیم تا آن گاه که به آنچه داده شدند شادمان گشتند پس ناگاه آنان را گرفتیم، پس آن گاه آنان نومید شدند» و فرموده است: «وَلَكِنْ مَنَعْتَهُمْ وَأَبَاءَهُمْ حَتَّى نَسُوا الذُّكْرَ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا»؛ «بلکه آنان و پدران‌شان را برخورداری کردی تا آن گاه که ذکر را فراموش کردند و گروهی بی‌خیر بودند». وانگهی ترک کننده‌ی نماز هرگاه منکر وجوب آن نباشد، کافر محسوب نمی‌شود^۷ و با این وصف، نمی‌تواند از مزایای قاعده‌ی جَبّ استفاده کند؛ همچنانکه به سبب تعمّد و تهاونش، با اقدام خود در عسر و حرج افتاده است و با این وصف، مزایای قاعده‌ی نفی عسر و حرج نیز شامل او نمی‌شود. وانگهی فرق او با کسی که به سبب خواب یا فراموشی نماز را ترک کرده، در گناهکار بودن است و روشن است که گناهکار بودن نمی‌تواند منشأ تخفیف تکلیف باشد، بلکه بنا بر قاعده‌ی عدالت بر شدت آن می‌افزاید و از این رو، اگر قرار بود که قضاء نماز بر کسی واجب نباشد، بر ترک کننده‌ی نماز به سبب خواب یا فراموشی واجب نبود که به تخفیف تکلیف سزاوارتر است؛ چنانکه خداوند فرموده است: «وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»؛ «و بر شما گناهی در کاری که به خطا کردید نیست، ولی در کاری است که دل‌هاتان تعمّد داشته و خداوند آمرزنده‌ای مهربان است» و فرموده است: «رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا»؛

۱. طه / ۱۲۶

۲. السجدة / ۱۴

۳. التوبة / ۶۷

۴. المائدة / ۱۳

۵. الأنعام / ۴۴

۶. الفرقان / ۱۸

۷. بنگرید به: پرسش و پاسخ ۲۴۳.

۸. الأحزاب / ۵

۹. البقرة / ۲۸۶



«پروردگارا! ما را مؤاخذه نکن اگر فراموش کردیم یا خطا کردیم»، در حالی که مسلماً قضاء نماز بر ترک کننده‌ی آن به سبب خواب یا فراموشی واجب است و با این وصف، بر ترک کننده‌ی آن از روی تعمّد و تهاون به طریق اولی واجب محسوب می‌شود، هر چند خداوند می‌تواند از او قبول نکند؛ همچنانکه می‌تواند از باب عقاب و سلب توفیق، او را از آن نهی نماید؛ به این صورت که بفرماید اکنون که نماز را در وقتش به جای نیاوردی دیگر آن را به جای نیاور؛ چنانکه در باب جهاد درباره‌ی کسانی که در وقت لزوم با پیامبر همراهی نکردند، فرموده است: **﴿فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ مِنْهُمْ فَاسْتَأْذَنُوكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَنْ تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَلَنْ تُقَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًّا إِنَّكُمْ رَضِيتُمْ بِالْقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوا مَعَ الْخَالِفِينَ﴾**^۱؛ «پس اگر خداوند تو را به نزد گروهی از آنان بازگرداند، پس از تو برای خروج اذن خواستند بگو: هرگز به همراه من خروج نکنید و به همراه من با دشمنی نجهاد کنید، شما در بار نخست به نشستن راضی شدید، پس دیگر بنشینید با جای ماندگان»، ولی خوشبختانه چنین چیزی را درباره‌ی نماز ترک شده از روی تعمّد و تهاون نفرموده و این یعنی فرصت برای جبران آن باقی است ان شاء الله.

اما برای قضاء نمازهای فوت شده هرگاه ماهیّت یا کمیّت‌شان یقینی نباشد، چاره‌ای جز به جای آوردن آن‌ها با ماهیّت و کمیّتی که یقین به قضاءشان حاصل شود، وجود ندارد؛ چراکه بنا بر حکم عقل، اشتغال ذمه‌ی یقینی، برائت ذمه‌ی یقینی می‌طلبد و اشتغال ذمه‌ی یقینی در هر دو شک وجود دارد؛ با توجه به اینکه هرگاه کسی می‌داند یک نماز از او فوت شده، ولی نمی‌داند که کدام یک از نمازهای پنج گانه بوده، ذمه‌ی او یقیناً به یک نماز مشغول است و با این وصف، چاره‌ای ندارد جز اینکه همه‌ی نمازهای پنج گانه را به جای آورد تا یقین کند که نماز فوت شده را به جای آورده است و هرگاه کسی نمی‌داند که آیا نمازهای سه سال از او فوت شده یا چهار سال، در واقع یقین دارد که نمازهای سه سال از او فوت شده و شک دارد که آیا تکلیف یقینی خود به اقامه‌ی نمازهای سال چهارم را انجام داده است یا نه و تردیدی نیست که این مجرای قاعده‌ی اشتغال است، نه برائت؛ بر خلاف توهم بیشتر فقیهان معاصر که آن را از باب شک در تکلیف دائر میان اقل و اکثر استقلالی و مجرای برائت پنداشته‌اند، در حالی که تکلیف در آن مشکوک نیست، بلکه امتثال تکلیف در آن مشکوک است و واضح است که این مقتضی احتیاط است، نه برائت. آری، هرگاه کسی شک داشته باشد که آیا پیش از شروع به اقامه‌ی نماز به سنّ تکلیف رسیده بوده است تا قضاء نمازهای فوت شده در آن بر او واجب باشد یا نه، می‌تواند اصل برائت را جاری کند؛ چراکه شک او در اصل تکلیف است و با این وصف، اشتغال ذمه‌ی یقینی ندارد تا برائت ذمه‌ی یقینی را ایجاب کند و استصحاب نیز مقتضی عدم رسیدن او به سنّ تکلیف است.

حاصل آنکه قضاء نمازهای فوت شده -خواه به سبب عذری مانند خواب یا فراموشی و خواه بدون عذر و از سر تهاون فوت شده باشند- واجب است و اگر کسی نمی‌داند که کدام یک از نمازهای پنج‌گانه‌ی او فوت شده است، باید همه‌ی نمازهای پنج‌گانه را به جای آورد تا یقین کند که نماز فوت شده را به جای آورده است و اگر کسی نمی‌داند که نمازهای چند روز او فوت شده است، باید آن قدر نماز به جای آورد تا یقین کند که دیگر نمازی در ذمه‌ی او باقی نمانده است؛ به این ترتیب که مثلاً اگر نمی‌داند سه سال نماز نگزارده است یا چهار سال، باید نمازهای چهار سال را به جای آورد تا یقین کند که دیگر نمازی در ذمه‌ی او باقی نمانده است و باید از خداوند بترسد و **مرگ را نزدیک بداند** و در انجام این کار به قدر استطاعت کوتاهی نکند؛ زیرا اگر در انجام این کار به قدر استطاعت کوتاهی نکند امید می‌رود که آمرزیده شود، هر چند پیش از قضاء همه‌ی نمازهایش از دنیا برود؛ با توجه به اینکه حق توبه را اداء کرده است؛ خصوصاً اگر فرزندان او پس از او نیکی کنند و قضاء نمازهای باقی مانده‌اش را به جای آورند.^۱



بایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشی خراسانی
محکم دلائل و سندی بر مبنای قرآن و حدیث



۱. در این باره، بنگرید به: پرسش و پاسخ ۲۰۳.